کار - ۵۸/۵/۱۱ - ش ۲۴

دانش‌آموزان دراعتراض به‌بسته بودن مدارس‌درتابستان قطعنامه‌ای صادرکردند:

تنها باتلاش وهمکاری تمامی دانش‌آموزان است که فرهنگ متعهد وانقلابی زنده میگردد

روز چهارشنبه ۲۵ تیر ماه ۵۸ گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانهای مرجان دختران مرجان پسران، راهنمائی مرجان، خوارزمی شماره ۴، ثریا، ورجاوند، انوشیروان دادگر آذرشماره ۳، نوربخش، به‌آذین، ۲۲ بهمن فاتح، هشترودی و ... در دانشگاه تهران اجتماع کردند و طی صدور قطعنامه‌ای از آموزش و پرورش خواستند که اجازه‌فعالیت تابستانی در مدارس را به‌آنها بدهد.

در قسمتی از این قطعنامه آمده است:

«مگر نه‌اینکه مدارس در زمان شاه منفور زندان فرهنگ متعهد و در مقابل، محل تاخت و تاز پوسیده‌های فرهنگ استعماری بود و مگر نه‌اینکه دانش‌آموزان کشورمان‌به‌همراهی زحمتکشان و مردم ستمدیده هم‌نبرد شدند تا به‌همراه دفن رژیم گذشته، فرهنگ پوسیده‌اش را نیز دفن کنند؟»

و در ادامه آمده است:

«درچنین اوضاع و احوالی است که از طرف آموزش و پرورش بخش‌نامه‌ای مبنی بر بسته‌بودن مدارس در طول تابستان و فعالیت تنها دومدرسه انتخاب شده در هربخش‌صادر شده‌است.»

در پایان دانش‌آموزان اعلام داشتند:

«ما ضمن محکوم نمودن این بخش‌نامه مصرا از وزارت آموزش و پرورش خواستار لغو آن هستیم و پیگیرانه میخواهیم که هیچ بخش‌نامه‌ای را بدون درنظرگرفتن خواست دانش‌آموزان صادر یا لغو ننماید.»

و اعلام داشتند برای اطلاع‌یافتن از نتیجه در روز دوشنبه ۲۵ تیر در ساعت ۹ صبح در جلوی وزارت آموزش و پرورش جمع می‌شوند.

روز دوشنبه که دانش‌آموزان به‌آموزش و پرورش آمدند با تعداد زیادی پاسدار که از قبل در منطقه مستقر شده بودند روبرو شدند در این روز نماینده آموزش و پرورش نیز برای دانش‌آموزان سخنرانی کرد و با تمسخر آنان را دعوت به‌اطاعت ازبرنامه‌های آموزش و پرورش نمود، دانش‌آموزان نیز چون نتیجه‌ای نگرفتند تصمیم گرفتند خودشان دست بکار شوند. دانش‌آموزان هنگام متفرق شدن میگفتند:

فرهنگ متعهد و انقلابی و روحیه و شور مبارزاتی دانش‌آموزان فقط با تلاش و اتحاد و همکاری خودآنها زنده میشود، امیدبستن به‌مسئولان و مقامات تنگ‌نظر، کاری عبث و بی‌فایده است.

تحصن دانش‌آموزان، دانشجویان و معلمین پیشگام ادامه دارد

بندرعباس — در نشریه شماره ۲۲، خبری داشتیم از تحصن دانش آموزان، دانشجویان ومعلمین پیشگام بندرعباس که از تاریخ ۵۸/۴/۱۱ در محل استانداری این شهرمتحصن شده‌اند. خواستهای متحصنین بدین شرح است:

۱– تثبیت یك مکان دائمی برای پیشگام.

۲– تضمین شرایط دمکراتیك برای فعالیت کلیه گروه‌های ضد امپریالیستی.

۳– درموقع لزوم، دراختیار قراردادن مکانی جهت سخنرانی ونمایش فیلم.

اما تاکنون این تحصن نه‌تنها با بی‌توجهی استاندار ودیگر مقامات مسئول مواجه شده، بلکه دراین رابطه متحصنین را مورد تهدید نیز قرارداده‌اند.

دفتر پیشگام بندرعباس، طی نامه‌ای به‌دفتر آیت‌الله طالقانی ومراجع حقوقی و سیاسی و همچنین چند روزنامه، خواستار افشاگری در این مورد شده‌اند.

یك دانشجوی انقلابی و مبارز را از دانشگاه اخراج کردند

«کمیته بجای گارد سابق در دانشگاه را بروی مردم بسته است»

گذشته برای خنثی کردن فعالیت‌های انقلابی دانشجویان دانشگاه‌ها از هیچ‌کاری روی‌گردان نبود. ساواك می‌کوشید از فعالیت‌های سیاسی و صنفی دانشجویان جلوگیری کند. گارد مزدور به‌دانشجویان حمله می‌برد و ... دست‌آخر نیروهای مسلح پلیس و ارتش ضد خلقی، دانشجویان را در دانشگاهها بخاك و خون می‌کشیدند. اما شاید خیلی‌ها ندانند که تنها ۶ ماه پس از قیام شکوهمند خلق، عناصر خودفروخته و سرسپرده امپریالیسم باوقاحت و بیشرمی تمام می‌کوشند همان اعمال‌ارتجاعی و ضد مردمی آریامهری را دوباره‌دردانشگاه‌ها انجام دهند.

یکی از این موارد، فعالیت‌های‌ضدانقلابیون و عناصر مرتجع در دانشگاه علوم‌کرمانشاهان است. رئیس این دانشگاه که خود عضو انتصابی شورای دانشگاه نیز هست از جمله این اشخاص است.

او با اعمال خود نشان داده است که می‌خواهد با تمام قوا از فعالیت‌های‌سیاسی صنفی دانشجویان این دانشگاه جلوگیری‌کند. شورای‌دانشکده‌که‌رئیس دانشکده عضو انتصابی آن‌است **یکی ازدانشجویان فعال ومبارز** را به مدت ۴(ترم) نیمسال از دانشکده اخراج کرده‌است. و بدستور او افرادمسلح کمیته، بجای گارد مزدور قبلی، از ورود مردم به دانشگاه، این سنگر مقدس آزادی جلوگیری می‌کنند. او حتی دستور داده‌است درهای دانشگاه را ببندند...

حال این سئوال مطرح می‌شود که آیا نباید هرچه بیشتر این دسیسه‌ها و توطئه‌ها را که هدفی جز سلطه تمام و کمال و مجدد امپریالیسم بر میهن مان ندارند افشا و از فعالیت عناصر ارتجاعی و ضد خلقی با تمام قوا جلوگیری کنیم؟

کار، ۱۱،۲،۵۹

کار - ویژه اول ماه مه - روز جهانی کارگر - ۱۱،۲،۵۹

اول ماه مه ۱۳۵۹

امسال عطر خون سرخ دانشجویان جشن کارگران را شکوهی خاص بخشیده است

جشن اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان را در شرایطی برگزار می‌کنیم که سرکوب مردم کردستان ابعاد بسیار وحشیانه‌ای به خودگرفته است. ارتش و پاسداران تنها در شهر سنندج نیمی از شهر را ویران کرده‌اند. اجساد زنان، مردان و کودکان در سطح شهر پراکنده است و فضای شهر در نتیجه تلاشی اجساد، متعفن است

اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان را در شرایطی برگزار می‌کنیم که جنبش انقلابی دانشجوئی، با تهاجم سراسری روبرو شده‌است. سینه دهها دانشجوو کارگر کمونیست در تهران، رشت، اهواز و... آماج گلوله‌های پاسداران شده‌است.

اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان را در شرایطی برگزار می‌کنیم که جنبش انقلابی دانشجوئی که جزئی از جنبش کمونیستی ایران است با درهم آمیختن خون سرخ خود با خون کارگران پیشرو ایران، میثاق نوینی را با طبقه کارگر ایران بنیان نهاده‌است.

بدون تردید این پیوند اهمیت تاریخی کسب خواهد کرد چه رشد جنبش انقلابی دانشجوئی که حامل ایدئولوژی طبقه کارگر (سوسیالیسم علمی) است، دقیقا به همین دلیل تمی‌توانست موضوع وحشت و دشمنی طبقه سرمایه‌دار ایران و حامیان آنان قرار نگیرد. تا آنجا که به دستور دشمنان طبقه کارگر، کشتار در دانشگاه‌های کشور با چنان ابعادی سازمان داده می‌شود که در طول تاریخ جنبش دانشجوئی ایران سابقه نداشته است.

مبارزه طبقه کارگر، این طبقه تا به آخر انقلابی هنوز در آن‌چنان سطحی نیست که قاطعانه مهر دمکراتیسم انقلابی خود را بر پیشانی جنبش بزند. در چنین شرایطی جنبش انقلابی دانشجوئی ایران که به شهادت تاریخ خود همواره بطور قاطع از حقوق زحمتکشان دفاع کرده و برای کسب حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی مبارزی پیگیر بوده‌است، نقش و اهمیتی فوق‌العاده می‌یابد.

جنبش انقلابی دانشجوئی ایران، با دفاع از دستاوردهای قیام شکوهمند ۲۲ بهمن، بامبارزه‌ومقاومت حماسه‌آفرین در مقابل سیاست‌های ارتجاعی که خواهان نابودی حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی است، در حقیقت به تعهد انقلابی خود در زمینه پیوند آگاهی سوسیالیستی با جنبش کارگری عمل می‌کند چه وجود شرایط دمکراتیک و حفظ آزادی‌های سیاسی برای تشکل آگاهانه طبقه کارگر ایران بسیار ضروری است.

بقیه درصفحه ۳

اول ماه مه...

بقیه‌ازصفحه ۱

کشتار کردستان و تهاجم به دانشگاهها و کشتار دانشجویان و کارگران انقلابی‌زمانیکه با عملیات شکست خورده ماموران نظامی امریکا و سیا مورد مطالعه قرار گیرد، به روشنی مدلل می‌شود که چگونه دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا، که در فرماندهی ارتش و بالاترین پست‌های رسمی و دولتی لانه کرده‌اند. نقشه‌های شوم خود را برای سرکوب مبارزات مردم ما علیه امپریالیسم امریکا یکی پس از دیگری طراحی و به اجرا می‌گذارند.

آنها از یک‌سو با چنین کشتارهائی به سرکوب انقلابیونی می‌پردازند که در دشمنی با امپریالیسم‌امریکا و افشای دوستان و جاسوسان امپریالیسم نشان داده‌اند که مصمم‌تر و سرسخت‌تر از هرنیروئی هستند و از سوی دیگر شرایطی به وجود می‌آورند که سمت و سوی مبارزه‌و اذهان مردم از دشمنی با امپریالیسم امریکا به دشمنی‌و جدال با همدیگر برگردانده شود.

سازمان‌چریکهای‌فدائی‌خلق‌ایران، از همه کارگران دعوت می‌کند با شکوه هر چه بیشتر جشن اول ماه مه، روز جهانی کارگری را گرامی دارند و همبستگی پرولتری خود را با مبارزه انقلابی دانشجویان و مبارزه دمکراتیک همه خلقهای ایران بار دیگر به اثبات رسانند.

(۲)
کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۵۸ ـ صفحه ۱۱

مبارزه و مقاومت..

بقیه از صفحه ۷

مبارزات زحمتکشان شد و دانشجویان و دانش‌آموزان پاپای کارگران و زحمتکشان بپاخاسته ما حماسه‌ها آفریدند. ارتش سرکوبگر لجام‌گسیخته و بیمناک از چنین مبارزه‌ای رگبار مسلسل‌هایش را بی‌وقفه به روی مردم انقلابی گشود و جویباری از خون رزمندگان در خیابان‌های شهرها به راه افتاد. دیگر برای رژیم کارخانه، مزرعه بازار، کوچه و خیابان، مسجد و دانشگاه فرقی نداشت. کابینه‌ها یکی بعد از دیگری عوض می‌شد، کابینه ازهاری روی کار آمد. قیام دانشجویان و دانش‌آموزان در ۱۳ آبان ۵۷ یکی از عوامل سقوط کابینه ازهاری شد و بار دیگر دانشگاه به خون کشیده‌شد. مردم ما به یاد دارند شبی را که تلویزیون صحنه‌ای از جنایات رژیم شاه را به نمایش گذاشت. آنها هرگز آن صحنه‌ها را فراموش نمی‌کنند. آنها دیدند که چگونه سربازان به فرمان فرماندهان مزدور خود سینه‌های دانشجویان را نشانه گرفتند. دانشجویان در آن‌روز با فریاد " مرگ بر شاه " به خون غلطیدند و درآن روز دانشگاه شهدای زیادی به‌جا گذاشت. با یورش ارتش به دانشگاه‌ها خشم و نفرت عمیق توده‌ها نسبت به رژیم هرچه بیشتر دامن زده‌شد و توده‌ها در کنار نیروهای انقلابی خلق، جوانان دانشجو و نوجوانان دانش‌آموز خود، شاه را ساقط کردند، پادگان‌ها را به تصرف درآوردند.

توده‌ها در آن روز هرگز تصور نمی‌کردند که بعد از سقوط شاه بار دیگر شاهد چنان صحنه‌هائی از کشتار جوانان خود باشند. آنها می‌دانستند که اگر قدرت حکومتی را به دست توانای خود بگیرند دیگر هرگز هیچ قدرتی نخواهد توانست دانشگاه را به خون کشد. اما امروز زحمتکشان ما می‌بینند که چنین نشد، آنها در اول و دوم اردیبهشت ۵۹ یعنی یکسال و چندماه بعد از پیروزیشان در سرنگون کردن شاه، بار دیگر در نهایت ناباوری و تعجب شاهد صحنه‌هائی از کشتار و وحشی‌گری شدند که درتاریخ یورش سرکوبگرانه به دانشگاه‌ها کم سابقه است.

حزب جمهوری اسلامی با برنامه قبلی " انقلاب فرهنگی " را توسط عده قلیلی از دانشجویان در دانشگاه‌ها علم کرد و تحت این عنوان خواست که دانشگاه‌ها را از وجود نیروهای کمونست، ترقیخواه و انقلابی پاک کند. شورای انقلاب و بنی‌صدر نیز بسته‌شدن دفاتر سیاسی دانشجویان را عنوان کردند و درجهت عملی‌کردن برنامه‌های خود برآمدند. دانشجویان انقلابی دریافتند که برنامه‌هائی در کار است تا سمت مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها را به انحراف کشند. با تعطیلی دانشگاه‌ها از تشکل سیاسی دانشجویان و پیوند جنبش دانشجوئی با جنبش ضد امپریالیستی توده‌ها جلوگیری کنند. این را تجربه سالیان دراز مبارزه و مقاومت دانشجویان در سالهای قبل به آنها می‌گفت. دانشجویان انقلابی با تکیه بر تجارب خونبار خود در این زمینه و برای حفظ یکی از دستاوردهای قیام خونین خلق به مقاومتی دلاورانه در مقابل این یورش دست زدند. طراحان یورش به دانشگاه‌ها به قصد درهم شکستن مقاومت دانشجویان نشان دادند، از جمله وحشی‌گری‌های کم نظیر این دستگاه‌های ضدمردمی بود. محیط دانشگاه‌ها علیرغم تمام تلاش‌های سرکوبگرانه رژیم، تبدیل به محیطی برای رشد سیاسی و انقلابی جوانان میهن ما شده بود و دانشجویان در رویاروئی با پلیس ماهیت جنایتکارانه رژیم وابسته را بیشتر و عمیق‌تر درک می‌کردند. هرقدر که بر اعمال خشونت‌بار ساواک و پلیس در دانشگاه‌ها افزوده می‌شد، به همان میزان دانشجویان بیشتری به لزوم مبارزه، تشکل و وحدت برای درهم کوبیدن چنین دستگاه‌های سرکوب‌کننده‌ای پی می‌بردند. دستگیری دانشجوان در این سالها و درسی که آنان در شکنجه‌گاه‌ها و زندان‌های رژیم از انقلابیون می‌گرفتند، عامل موثری بود در رشد و شکوفائی سیاسی ومبارزاتی دانشجویان. دانشجویانی که درپی مبارزات خود به زندان‌ها روانه می‌شدند با چهره پلیس سرمایه‌داری بیشتر آشنا می‌شدند و فرصتی به دست می‌آوردند که با افکار انقلابی آشنائی بیشتری پیدا کنند، دانش طبقاتیشان افزون گردد و فن سازماندهی مبارزات خود را از امثال " جزنی‌ها " که در زندان‌های شاه درس مبارزه و مقاومت را به نیروهای انقلابی می‌آموختند، فرا گیرند و با دریائی از دانش و تجربه انقلابی، با دلی آکنده از کینه طبقاتی و با شوری سرشار از عشق به خلق و ایمان به پیروزی پرولتاریا به آغوش مکتب‌خانه‌های خود بازگردند و ره‌آورد مسافرت پربار خود را صمیمانه درجهت ارتقاء و سازماندهی مبارزات دانشجویان و توده‌ها بکار گیرند.

در این سالها تا اوج‌گیری مبارزات پر شکوه خلق، جنبش دانشجوئی هرروز گام های موفقیت‌آمیزتری در جهت پیوند با مبارزات توده‌ها برمیداشت. تب و تاب فزاینده مبارزه در دانشگاه‌ها خبر از آینده‌ای روشن می‌داد. آینده‌ای که رژیم دیکتاتوری شاه را به زباله‌دانی تاریخ بیاندازد و آینده‌ای که امپریالیسم در مقابل اراده خلق به زانو درآید. دانشگاه‌ها انعکاسی از مبارزات توده‌ها را درخود داشتند.

هرچه مبارزه توده‌ها گسترش می‌یافت، آتش مبارزات دانشجوئی پرلهیب‌تر و فروزان‌تر می‌شد و چون دانشگاه‌ها بستر رشد آگاهی طبقاتی نیز بودند، نمود مبارزات مردم را به شکل بارزتر و برجسته‌تری در دانشگاه‌ها می‌دیدیم.

شروع مبارزات مردم " خارج از محدوده " علیه ستمگری‌های رژیم‌شاه، اولین نشانه‌های آشکارشده مبارزات توده‌ها و اولین زبانه‌های آتش بود که زیر خاکستر نهان گشته‌بود. جنبش دانشجوئی با بروز این اولین نشانه‌ها، موقعیت را با هوشیاری انقلابی خود درک کرد و خود را برای سازماندهی این مبارزات آماده نمود. دانشجویان انقلابی اینبار روانه گودنشین ها، حلبی‌آبادها و " خارج از محدوده " تهران شدند و در تداوم فعالیت‌های انقلابی خود دستاوردهای پرارزشی از تجارب سازماندهی مبارزات توده‌ها اندوختند. دانشگاه‌ها با آغاز مبارزات گسترده و بی‌امان توده‌ها در سال ۵۶ بدل به سنگری از

بقیه در صفحه ۱۱

کار، ۲۴، ۲، ۵۹ (۳)

انقلابی دستور کشتار، دستگیری و اعدام دانشجویان را صادر کردند و به این ترتیب دانشگاه‌ها یکسال بعد از پیروزی خلق در سرنگونی شاه به خون کشیده شد و شهدای زیادی به جا گذاشت. در یورش وحشیانه باندهای سیاه و سپاه پاسداران به دانشگاه‌های سراسر ایران، دهها نفر از دانشجویان انقلابی شهید، صدها نفر زخمی و صدها نفر دستگیر شدند و اخیرا دو تن از انقلابیون اهواز در رابطه با حوادث خونین دانشگاه‌ها به دستور جنتی امام جمعه اهواز و غرضی استاندار اهواز و البته با تائید حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب تیرباران شدند. توده‌ها انزجار خود را از چنین سیاست وحشیانه‌ای به شکل‌های مختلف نشان دادند. آنها از رادیو و تلویزیون خواستند که صحنه‌های درگیری دانشگاه‌ها را به مردم نشان دهند ولی تلویزیون عوامفریبانه دروغ شرم آوری را تحویل مردم داد مبنی بر اینکه هوا ابری بوده و نتوانسته‌اند فیلم تهیه کنند درحالیکه طبق اعلامیه‌ای که کارکنان انقلابی رادیو ـ تلویزیون داده‌اند، همان‌موقع هلی‌کوپترها از صحنه‌های خونین نبرد دانشگاهی فیلم برداشته و اینک در آرشیو رادیو ـ تلویزیون موجود است. آنها از اینکه توده‌ها با دیدن صحنه‌های وحشی‌گری باندهای سیاه و پاسداران به خشم آیند و صحنه حمله ارتش به دانشگاه‌ها در ۱۳ آبان ۵۷ برایشان تداعی‌شود، این دروغ بیشرمانه را تحویل مردم دادند اما مردم ما بسیار از این سیاست‌ها را آزموده‌اند.

ما ایمان داریم خشم فروخورده توده‌ها از جنایات بیشماری‌که بعداز قیام تاکنون از جانب حزب‌جمهوری‌اسلامی، شورای‌انقلاب‌وباندهای‌سیاه وابسته به آن صورت گرفته، دیری نخواهد کشید که تبدیل به انفجاری عظیم خواهد شد و زحمتکشان ما برای پی‌ریزی دنیای آزاد و پرسعادت آینده خود بپاخواهند خاست.

زحمتکشان ما همچنانکه در سالهای پیش دانشجویان را درکنار مبارزات خود دیده‌اند، از این پس نیز همراه آنان به مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکـراتیـک خود ادامه خواهند داد!

و دانشجویان انقلابی همچنان دوشادوش و پیشاپیش توده‌ها برای برپاداشتن دنیای نوین آینده گام برخواهند داشت!

چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۹
سال دوم – شماره ۵۸ – صفحه ۷
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



مبارزه و مقاومت
درس بزرگ تاریخ جنبش دانشجوئی ایران

(قسمت آخر)

سازمان‌های دانشجوئی در سازماندهی اعتصابات اتوبوسرانی نقش عمده‌ای داشتند و شرکت وسیع دانش‌آموزان در این مبارزه نقش نیروهای جوان انقلابی را در این سال هرچه برجسته تر نشان داد. رژیم در اثر مبارزه گسترده و پیگیر توده‌ها ناچار به عقب نشینی شد و توده‌ها باردیگر قدرت خود را آزمودند. آنها درسال ۴۸ همچنین دیدند که چگونه جوانان و نوجوانان دانشگاهی و دانش‌آموزی پرشور و پرتلاطم مبارزاتشان را سازماندهی کردند و چگونه تا عقب‌نشینی رژیم دراین مورد لحظه‌ای آرام نگرفتند. توده‌های ما از این نمونه فعالیت‌ها و جانبازی‌ها از جوانان خود بسیار دیده‌اند و به‌همین دلیل هم هست که به‌راحتی نمی‌پذیرند آنان " خرابکارند " و یا به قول حاکمیت فعلی " ضدانقلابی‌اند ". زحمتکشان ما می‌دانند هرجا و هر زمان که مبارزه‌ای علیه رژیم وابسته به امپریالیسم داشته‌اند، دانشجویان با شور و دانش انقلابی خود در کنارشان به جانبازی برخاسته‌اند. آنها می‌دانند زمانی که مبارزات میلیون‌ها مردم به خون کشیده و سرکوب می‌شد، دانشجویان انقلابی به‌دلیل داشتن دانش و آگاهی طبقاتی همچنان به مبارزه خود علیه دیکتاتوری و امپریالیسم ادامه می‌دادند. توده‌های ما خاطرات پرشکوهی از مبارزات خونین و دلاورانه جوانان دانشجوی خود دارند و به همین دلیل هم هست که سیاست‌های سرکوبگرانه حاکمیت کنونی در مورد دانشگاهها از نظر توده‌ها نه‌تنها محکوم است، بلکه‌آنان را به یاد سیاست‌های وحشیانه سرکوب رژیم شاه می‌اندازد. نفرت آنان را نسبت به دروغ‌گوئی‌های حزب جمهوری اسلامی و کشتارهای وحشیانه دانشجویان به‌دست سپاه پاسداران و باندهای سیاه برمی‌انگیزد.

در سال ۴۹ هنگامی که یک دسته از سناتورهای امریکائی‌برای بررسی زمینه‌های سرمایه‌گذاری در

> ● *زحمتکشان می‌دانند هرجا و هر زمان که مبارزه‌ای علیه رژیم وابسته به امپریالیسم داشته‌اند، دانشجویان با شور و دانش انقلابی خود در کنارشان به جانبازی برخاسته‌اند.*

میهن ما به تهران آمدند، باز دانشجویان انقلابی فریاد اعتراض خود را علیه سلطه امپریالیسم بلند کردند و بعنوان اعتراض به برخی از موسسات امریکائی حمله بردند، در این سال دانشجویان ابتدا دست به تظاهرات وسیع در داخل دانشگاه‌ها زدند و بعد تظاهرات را از صحن دانشگاه‌ها به محوطه خارج از دانشگاه‌ها و تاحدودی به خیابان‌های شهر کشاندند. شعار دانشجویان در این سال " کارگر، برزگر، اتحاد، اتحاد " بود. توده‌های ما این‌بار از زبان جوانان انقلابی خود شعاری را می‌شنیدند که خود در جریان مبارزات خود می‌رفتند که آن‌را متحقق کنند و ما تحقق این شعار را در دوران یکساله انقلاب و قیام شکوهمند ۲۲ بهمن دیدیم. در این سال رژیم جهت سرکوب دانشجویان متوسل به سیاست تهدید و فریب توده‌ها شد، دهقانان را بعنوان شرکت درجشن کشاورزی روانه شهرهای دانشگاهی کردند و آنها را بقول خود در مقابل دانشجویان قرار دادند اما زمزمه‌هائی که در بین توده‌ها شروع شد بخوبی خشم مردم را از چنین سیاستی نشان‌داد. عدم استقبال توده‌ها از این بسیج فرمایشی رژیم را واداشت که نیروهای سرکوب خود، ساواک و پلیس، را روانه دانشگاه‌ها کند. دستگاه جهنمی ساواک و پلیس ضدخلقی رژیم از این سال تا چندی بعد بعنوان " گارد ویژه " در دانشگاه‌ها مستقر شد و کوچک‌ترین حرکت دانشجوئی زیر ضرب پلیس قرار گرفت در این سالها رژیم علاوه بر سیاست سرکوب، سیاست تطمیع دانشجویان را نیز در برنامه خود قرار داد. امکانات رفاهی برای آن دسته از

> ● *" گاردویژه " رژیم شاه برای این در دانشگاهها مستقر شده بود تا کوچکترین حرکت دانشجوئی را زیر کنترل و ضرب قرار دهد.*

دانشجویانی که خود را می‌فروختند و یا گرایشی به مبارزه با رژیم نداشتند، فراهم شد. تلاش برای رواج فساد و انحطاط در بین دانشجویان از طریق برنامه‌های مختلف به اجرا درآمد اما هیچکدام از این شیوه‌ها نتوانست جنبش دانشجوئی را به بیراهه کشد.

در سال ۴۹ سازمان ما که متشکل از روشنفکران انقلابی برخاسته از دل دانشجویان انقلابی بود، موجودیت خود را اعلام کرد و بسیاری از دانشجویان انقلابی که صادقانه به آرمان طبقه کارگر و به خلق ستمدیده خود عشق می‌ورزیدند، به سازمان پیوستند. آمار شهدای سازمان و سازمان مجاهدین صدها دانشجوی انقلابی را که به‌دست دژخیمان شهید گشتند، به نمایش می‌گذارد و سند گویائی است بر جانبازی‌ها، مبارزات و مقاومتهای دلاورانه دانشجویان انقلابی ما.

از سال ۴۹ به بعد، جنبش دانشجوئی شکوفائی هرچه بیشتری یافت. سازمان‌های متشکل دانشجوئی به وجود آمد که با رهنمودهای انقلابی خود توانست تشکیلات دانشجوئی را در تمام زمینه‌ها ارتقاء بخشد. این رشد، خود را در مبارزات خونین دانشجویان در سال ۵۱ به خوبی نشان داد. دانشجویان درسال ۵۱ در تداوم مبارزات خود علیه استقرار گارد در دانشگاه‌ها دست به مبارزات وسیعی زدند. آنان از سال ۴۹ به بعد که ساواک و پلیس بعنوان گارد دانشگاه در دانشکده‌ها مستقر و محیط دانشگاه‌ها را تبدیل به محیطی نظامی و خشونت‌بار کرده‌بودند، علیه گارد مبارزه بی‌امانی را شروع کردند. این مبارزات در سال ۵۱ به اوج خود رسید و بار دیگر دانشگاه‌ها صحنه خونین مبارزات بین دانشجویان انقلابی و پلیس ضدخلقی شد. در این درگیری‌ها تعداد کثیری از دانشجویان زخمی و تعدادی به شهادت رسیدند. سبعیتی که ساواک و پلیس در این سال در سرکوب جنبش دانشجوئی از خود

چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۵ ـ صفحه ۵

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سیاست آموزش و پرورش در اخراج معلمین مبارز درخدمت چه کسانی است؟

جامعه معلمین ایران بخش قابل ملاحظه‌ای از توده‌های زحمتکش میهن ما را تشکیل می‌دهند. معلمان میهن ما وظیفه آموزش و پرورش میلیون‌ها دانش‌آموز را بر دوش دارند و به این جهت نقش آنان در روشنگری این دخیره عظیم انسانی می‌تواند اثرات قاطعی در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک مردم ایران داشته باشد. چنانکه نقش معلمان و دنش‌آموزان در دوران طوفانی پیش از قیام گواه بر این امر است ولی سیاستی که پس از استقرار جمهوری اسلامی از طریق مسئولین بر سراسر آموزش و پرورش ایران حاکم شده‌است، جو اختناق، تفتیش عقاید، اخراج، تصفیه، اذیت و آزار معلمان بوده است.

در این مدت ما شاهد احضار معلمین مترقی به ادارات آموزش و پرورش و استنطاق درباره مرام آنان شیوه تدریس و مسائل مطروحه در سر کلاس درس و دفتر مدرسه و غیره بوده‌ایم همچنین ما شاهد اخراج معلمین پیشرو و مبارز در اراک، ترکمن‌صحرا، بندر عباس، تهران، تبریز و سایر نقاط ایران و حتی شاهد ترور چند معلم از سوی دسته‌های "فالانژ" و اعدام معلم پیشگام و انقلابی "هرمز گرجی بیانی" توط رژیم جمهوری اسلامی بوده‌ایم.

اکنون نیز مسئولین آموزش وپرورش در پی ادامه و گسترش سیاست‌های نفاق افکنانه خویش بوده و ما شاهد دستور انحلال کامل آموزش و پرورش استان کردستان و اخراج معلمین مبارز آن هستیم. حتی آبان دست به‌اخراج معلمان آینده میهنمان از مراکز تربیت معلم از جمله اخراج نزدیک به ۵۰ نفر از دانشجویان "مرکز تربیت معلم پسران تهران" زده‌اند.

مسئولین آموزش و پرورش که از روشنگری توده‌های دانش‌آموز وحشت دارند با جلوگیری‌از برخورد عقاید و از اشاعه آگاهی و شکوفائی دانش علمی دانش آموزان خواه نا خواه با اعمال خود به جز شکاف در درون صفوف خلق، به جز ایجاد جو بدبینی و هموار کردن راه امپریالیسم راه به جائی نخواهند برد.

سند زیر نمونه‌ای از صدها موردی است که آموزش و پرورش با بهانه‌های واهی دست به اخراج معلمان می‌زند. این سند، حکم کارگزینی این وزارتخانه در مورد اخراج یکی از کاندیداهای سازمان ما در انتخابات مجلس در شیراز به نام "صدیقه صرافت" است.

ناگفته‌نماند که "صدیقه صرافت" به مدت ۶ سال در زندان رژیم شاه جنایتکار به سر می‌برد و اکنون پس از ۱۶ سال سابقه کار در فرهنگ با بهانه نداشتن "مذهب رسمی" از فرهنگ اخراج می‌شود.

کار ۱۵، ۸، ۵۹

ورزش جمعی درمدارس به اخراج منجر میشود!

کار (س.چ.ف.خ.ا) ۱۵ آبان ۵۹
سال دوم - ش ۸۳

با شروع سال تحصیلی جدید که همزمان با آغاز جنگ تحمیلی و غیرعادلانه دولتهای عراق و ایران بود، ورزش جمعی دانش‌آموزان که در بالا بردن روحیه انقلابی و مبارزاتی دانش‌آموزان بسیار موثر بود، در بسیاری از مدارس بصورت یک مساله "درآمد و در چندین مورد به اخراج دانش‌آموزان آگاه و مبارز و حتی انحلال مدرسه منجر شد. اما در تمام موارد دانش‌آموزان مبارز و آگاه که در پروسه قیام رشد آگاهی خود و حق خواهی شان را با شرکت فعال در جنبش توده‌ای باثبات رسانده بود، اینک نیز در جهت حفظ حقوق دمکراتیک خود، در مقابل حرکات ارتجاعی مسئولین مقاومت میکنند، با اتحاد و همبستگی و اقداماتی نظیر تحصن و اعتصاب گری و پافشاری روی حق خود، اقدامات ارتجاعی و انحصارطلبانه مسئولین آموزشی را خنثی کردند.

● در دبیرستان هدف شماره سه، مدیر دبیرستان با ورزش جمعی دانش‌آموزان مخالفت کرد و بدنبال سخنرانی یکی از دانش‌آموزان در رابطه با همین مساله، دستور اخراج چهار نفر از دانش‌آموزان را صادر کرد. اما دانش‌آموزان در راهروها و جلوی دفتر جمع شده و با اتحاد و مقاومت یکپارچه خود، مانع اجرای این دستور میشوند. مدیر اقدام به زدن دانش‌آموزان میکند که با اعتراض جمعی محصلین روبرو میشود. شعارهای دانش‌آموزان در فضای دبیرستان میپیچید که: "شورا خواست هر دانش‌آموز"، "تعطیلی مدارس توطئه آمریکاست"، "اخراج دانش‌آموز توهین به خون شهداست".

● در روز هفده مهر دانش‌آموزان دبیرستان نظر مبادرت به ورزش جمعی صبحگاهی میکنند که ناظم از اینکار جلوگیری میکند. بچه‌ها به عمل ناظم اعتراض کرده و علت را میپرسند، ناظم میگوید "شما تعهد داده‌اید" دانش‌آموزان میگویند ما تعهد نداده‌ایم که ورزش نکنیم. بعد از تلاش فراوانی که دانش‌آموزان برای کسب اجازه قانونی برای انجام ورزش صبحگاهی از مدیر و روسای ناحیه میکنند مدیر تصمیم به اخراج ۱۲ نفر از دانش‌آموزان میگیرد، در مقابل این حرکت ضد دمکراتیک مدیر، صد و ده نفر از دانش‌آموزان مدرسه تحصن کرده میگویند یا ما را هم اخراج کنید و یا دوستانمان را هم به مدرسه بازگردانید. بر اثر این اتحاد و مقاومت جمعی دانش‌آموزان مدیر مجبور به عقب نشینی شده و از اخراج دانش‌آموزان خودداری میکند.

● متعاقب درگیری هائی که دانش‌آموزان دبیرستان شرف در مورد ورزش جمعی با مدیر دبیرستان داشتند، روز دوازدهم مهر، مدیر دبیرستان، یکی از دانش‌آموزان را که در آن روز نقش اداره کننده ورزش را داشت به دفتر برد وضمن ضرب و شتم، او را تهدید به اخراج کرد. سایر دانش‌آموزان در اعتراض باین حرکت مدیر پیشنهاد تحصن دادند. این تحصن و فشار محصلین متحد و مبارز مانع اخراج دانش‌آموز مزبور شد و تحصن بعد از چهار ساعت و با خروج آن دانش‌آموز از دفتر دبیرستان پایان گرفت.




خوابگاه دختران دانشجوی دانشگاه تهران نیز دوباره مورد حمله قرار گرفت

خوابگاه دختران دانشجوی دانشگاه تهران در خیابان شانزده آذر دوباره مورد حمله فالانژها و کمیته‌چی‌ها قرار گرفت، بار اول با مقاومت دانشجویان و حمایت مردم، موفق به تخلیه آن نشدند و بار دوم افراد کمیته در آن مستقر شدند.

بعداز ظهر روز بیست و هشتم دیماه، حدود بیست حزب اللهی با چوب و چماق و قمه و میله آهنی و با شعار "این مکان مخصوص جنگ زدگان است" وارد ساختمان خوابگاه شدند آنها تمام اتاق ها را بهم ریختند، همه وسایل را بوسط راهروها پرت کردند، شیرهای آب را باز کردند و وحشیانه به دانشجویان معترض حمله کردند که بسیاری از آنها مجروح شدند مردمی که متوجه جریان شده بودند، برای کمک به دانشجویان وارد ساختمان شدند بعضی از فالانژها بدست مردم گرفتار شده و کتک میخوردند، دانشجویان میگفتند بقیه فالانژها بالا هستند. آنها روی پشت بام با چوب و چماق ایستاده بودند و با وحشت به همکاری مردم نگاه میکردند میخواستند با فریب مردم را آرام کرده و خود بگریزند، یکی از آنها که همیشه هنگام حمله به کتابفروشیها و تظاهرات در بین حزب اللهی دیده میشد با وحشت میگفت: "من مسلح هستم، من عضو کمیته‌ام" و یکی دیگر نیز میگفت "منم هستم" و با حرکت دستش، دستبندی که زیر کتش آویزان بود دیده شد. جمعیت زیادی در اطراف ساختمان جمع شده بود، چند ماشین کمیته با ۲۰ تا ۳۰ نفر مسلح از راه رسید و با زور و فریب، فالانژها را تحت حمایت خود به پائین آورد. آنها از ترس خشم جمعیت به یکباره بسیار ملایم و مودب! شده بودند مردم خواستار تنبیه فالانژها بودند و شعارهائی چون "مرگ بر چماقدار"، "چوب، چماق، شکنجه، دیگر اثر ندارد"، "چماقدار، حامی سرمایه‌دار" میدادند سر انجام ماموران کمیته توانستند همکاران خود را از معرکه بدر ببرند و حمله‌شان ناموفق ماند اما چند روز بعد یعنی روز جمعه سوم بهمن، بعداز نماز جمعه، دوباره به همان ساختمان حمله کردند و با زدن دانشجویان را زیر ضرب و شتم گرفتند بطوری که مجروحین به بیمارستان منتقل شدند و به ساختمان و اموال خوابگاه نیز خسارت های بسیار وارد شد. در این روزها نند تمام یورش های دیگر فالانژها به دانشجویان و ساختمان ها و حمایت کمیته‌چی های حامی سرمایه‌داران، ساختمان خوابگاه در اختیار افراد کمیته قرار گرفت.

کار (سچفخا) ۹، ۱۱، ۵۹
سال دوم - ش ۹۵ - ص ۱۴